

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: استاد عزیز در بحث آزادی و انقلاب اسلامی، ۱. آیا اینگونه درست است که بگوییم، در انقلاب اسلامی از روز اول در دو قسمت باید کار تبلیغ و گسترش دین صورت می گرفت. اول نوع محتوای تبلیغ که از حالت صرف توضیح کلامی و اخلاقی و... باید به گونه ای می بود که طوری تشریح شود که بجای توصیه، شخص را در ساحتی وارد کنیم و بعد شخص این رو بفهمه که از صبح تا شب همه فعالیت و فکر و ذکرش معطوف به رفع حجابها برای حضور بیشتر در این ساحت باشد. دوم الگو سازی؛ قرار دادن الگوهای متعددی در منظر مردم که اشخاص حداقل افق چند سال آینده خود را رسیدن به آن الگوها بدانند. این نوع از تبلیغ، کنترل نرم فضای جامعه است، که هم قدرت انتخاب شخص محفوظ می ماند هم اینکه فضای کلی جامعه رفتار اشتباه شخص را نمی پذیرد نه اینکه با اجبار بخواهیم رفتار اشتباه را کنترل کنیم و هم اینکه انتخاب صحیح شخص سرمایه جان اون می شود. ۲. استاد عزیز با توجه به بحث زمان شناسی که هر زمانی مردم یک ظرفیت پذیرش رو دارند شاید اگر از همان ابتدای انقلاب با آن ظرفیت بالای جامعه معلم و استاد و کسانی که مسولیت سیاستگذاری فرهنگ و تربیت فرزندان ملت رو برعهده داشتند به شیوه ای با نفوذ بیشتر کار را جدی می گرفتند الان کار خیلی جلو تر بود، آیا به نظر شما نقش اول مشکلات اجرایی کشور ما حاصل کم کاری آموزش و پرورش و دانشگاه و... نیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. همین طور است. آری! باید در مقابل افراد، چشم اندازی که جان شان تصدیق کند قرار گیرد امری که سال ها پیش در کتاب «آن گاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود» مورد تذکر قرار گرفت. ۲. حقیقتاً نسبت به آموزش و پرورش و معلم کوتاهی شد. حدود ۲۰ سال پیش که مسولیت اداره کل آموزش و پرورش اصفهان را داشتم، عرض شد بترسید از آینده ای که نسل های آینده به جهت معلمان ضعیف و تنگناهای آموزش و پرورش، آن طور که باید از جریان تاریخی انقلاب و اسلام بهره لازم را نداشته باشند و هنوز هم باید به این فکر کرد که بهترین اندیشه ها در کسوت معلمی حاضر شوند تا نسلی متعالی و مناسب این زمانه تربیت شود. موفق باشید